

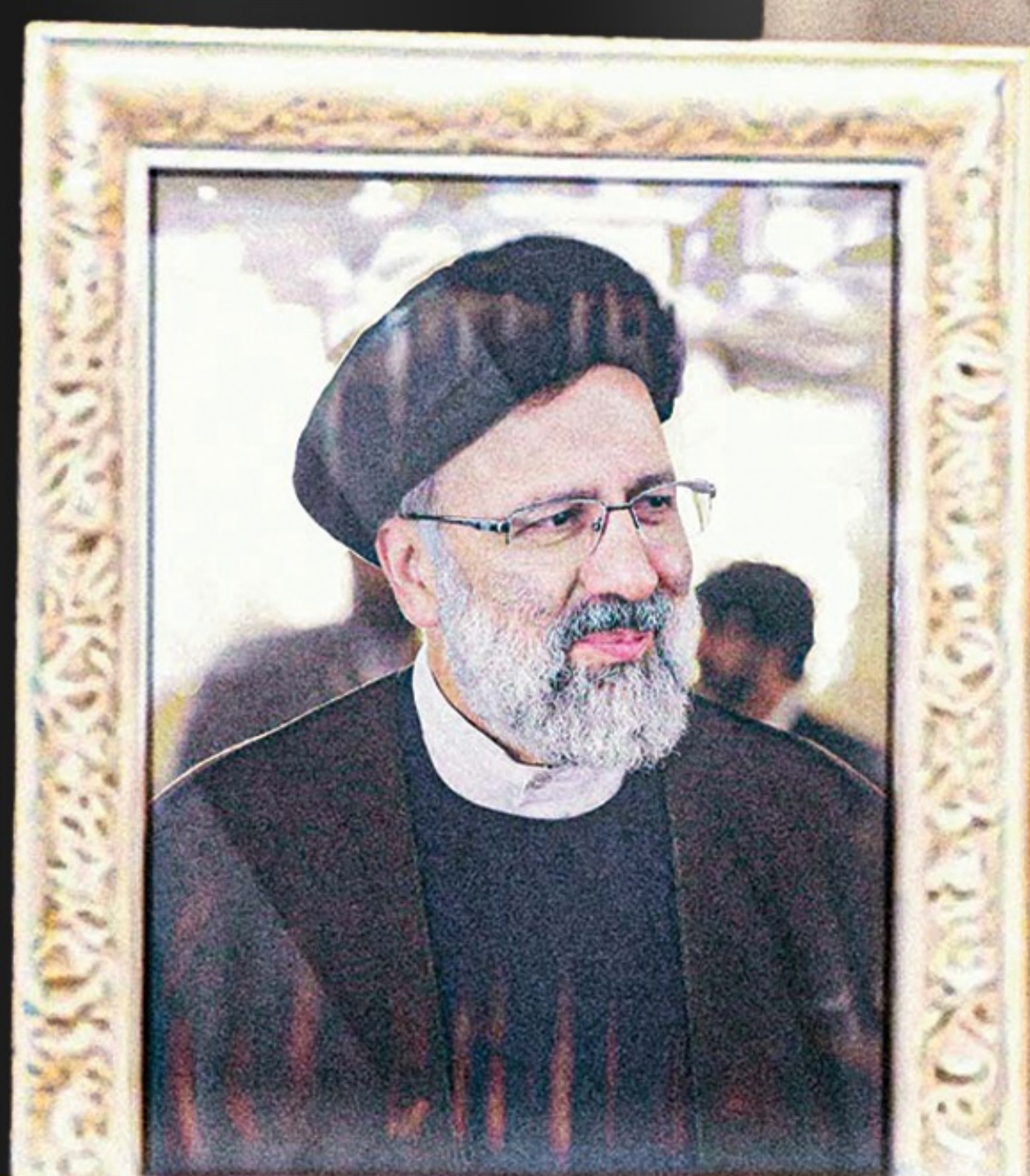


شهید جمهوری

رهبر معظم انقلاب

مایکی از بهترین عناصرمان
در زیر این آسمان را از دست دادیم

- صدای ضربان تاریخ می‌آید
- میدان دیپلماسی
- رازنگین رئیس جمهور
- ببین این صفِ اولی‌ها به آغوش مولا رسیدند
- یک پیام
- سقوط بی صدا
- سربازی از جنس رجایی
- برسد به دست رئیس جمهور
- آنچه ولایت خوانند
- از اول مجلس شهدا را چیدند
- آخرین دیدار
- ابراهیم چگونه آتش را گلستان کرد
- اینگونه ابراهیم را پاداش می‌دهد
- شهادت هنرمردان خداست



صدای ضربان تاریخ می آید

یونس فرزین فرد

عضو شورای مرکزی ناظر بر نشریات وزارت علوم

حال جامعه امروز ایران، کسی را از دست داده است که می توان گفت زمینه ساز انقلاب درونی در جامعه ایران شد.

شهادت رئیس جمهور تصویر جدیدی را به جامعه ایران و ایرانی القا کرد. هیچکس گمان نمی کرد که پدیده ای از جنس دولت و دولتمرد سرنوشتی چون شهادت را در غایت راه خویش ببیند. بر همین اساس شهادت رئیس جمهور معنای جدیدی از دولتمردان برای حال و آینده مردم و یک ملت خلق کرده است.

ما در شهادت رئیس جمهور با هویتی از جنس دولت مواجه هستیم. هویتی جمعی که وابسته به یک ساختار حقوقی- سیاسی است و اینجا شهادت رئیس جمهور فراتر از یک شخصیت است چرا که هویت یک جمع را با خود دارد.

در روزگاری که رخوت و سکوت جامعه امروز ایران فراگرفته بود به راستی چه چیزی می توانست صدای ضربان تاریخ باشد؟

کمی به عقب بازگردیم

تقریباً پنج سال پیش بود که کشور در سوگ فرزند دلیر خود عزادار بود. در سوگ فرزندی قهرمان که او را مالک اشتر زمان می نامیدند. به راستی شهید سلیمانی چگونه نقطه عطفی برای تاریخ ایران و جهان شد؟ مگر او چه کرده بود؟

حاج قاسم سلیمانی در امتداد مسیری از مجاهدت حرکت می کرد و همواره در میدانی از جهاد و شهادت حاضر بود و شهادت او قلب یک ملت را جریحه دار کرد؛ چرا که ایران فرماندهای از جنس مردم را از دست داده بود.



هویت بخشی و هویت‌سازی آرمان‌هایی بود که در کشور کمرنگ شده بود و سلیمانی و رئیسی در پنج سال باردیگر این دو رکن اصلی و اساسی را به ملت ایران یادآور شدند که این جز با اعتقاد راسخ و ایمان به خدا بدست نمی‌آید.

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هم هویت را شکل می‌دهد و هم به آن حرمت و قداست می‌بخشد و حماسه‌ای را به ارمغان می‌آورد تا بار دیگر بازگشت به درون را برای مردم روشن کند. به قولی می‌توان گفت شهید می‌رود تا انقلابی درون انقلاب ایجاد شود تا آرمان‌ها یادآوری گردند و رئیسی عزیز رفت تا ضربانی دوباره بردل و جان ملت بیاندازد.

ما فعالین نشریات سراسر کشور به حرمت شهدای خدمت در این شماره قصد داریم به ابعاد شخصیتی و معرفتی رئیس جمهور محبوب مان بپردازیم.

با ما همراه باشید...

پنج سال می‌گذرد و ملت ایران دو فرزند پاک و منزهش را از دست داده است. فرزندی که خلق کننده حماسه‌هایی بی‌بدیل در تاریخ ایران هستند. سلیمانی می‌رود تا به ما یادآور باشد که تاریخ زنده است و دفاع از مظلومان در میدان‌های سخت نبرد ادامه دارد. سلیمانی حماسه‌ای از جنس تاریخ است.

رئیسی می‌رود تا جامعه ایرانی انقلابی درونی به پا کند. در روزگاری که ارائه الگوی حکمرانی و محقق شدن دولت اسلام بر مبنای آرمان‌های امامین انقلاب کاری سخت و بس مشکل است سید ابراهیم شهید جمهور می‌شود تا برای ما حماسه‌ای از انقلاب درون بسازد و به مردم بالاخص نسل امروز یادآور باشد که همچون دهه ۶۰ رجایی هم می‌توانی باشی اگر فناء فی الله شوی و او این‌گونه بود.



میدان دیپلماسی

محمد رضا سلطانی

دبیرانجمن اسلامی دانشجویان (تحکیم وحدت) دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

دیپلماسی هوشمندانه

ایشان در طول دوران فعالیت نشان داد هم می توان عزتمندانه مذاکره کرد و هم می توان در میدان سیلی محکم به گوش دشمن زد.

او میدان و دیپلماسی را مکمل هم دانست. هم چنان که در روزهای منتهی به وعده صادق با دیپلماسی فعالانه فضای جهانی را برای پاسخ محکم ایران آماده کرد و رژیم صهیونیستی را رسوا. دیگر در دوره ایشان شلیک موشکها مانعی در برابر تعاملات خارجی نبود.



وزیر در میدان

«بالگرد حامل رئیس جمهور فرود سخت داشته است. وزیر خارجه، امام جمعه تبریز و استاندار آذربایجان شرقی از همراهان ایشان در این بالگرد بودند.» از اولین خبرهایی هست که ما را در حیرت فرو برد. حیرتی که رگه‌هایی از امید داشت اما با نزدیک شدن به سحرگاه روز ۳۱ اردیبهشت دیگر همان امیدها هم ناامید شد و رئیس جمهور و هیئت همراه به شهادت رسیدند.

شروع مقتدرانه

سه سال پیش در اوایل اردیبهشت ماه انتشار صحبت‌هایی از آقای ظریف جنجالی شد. صحبت‌هایی که در آن به تقابل میدان و دیپلماسی پرداختند. تقابلی که در آن عرصه میدان مزاحم فعالیت‌های دیپلماتیک بود و شکست‌ها در دیپلماسی، نه برگردن برنامه‌ها و رویکرد غلط که برگردن فرماندهان میدان هم چون حاج قاسم انداخته میشد.

با پیروزی شهید رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری، شهید دکتر امیر عبداللہیان بعنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی شدند. ایشان از نمایندگان مجلس، تنها با ۶ رأی مخالف، رأی اعتماد قاطعانه گرفتند.

این وزارتخانه، با شهید سلیمانی ارتباط نزدیکی داشتند. همین امر باعث شده بود از ابتدای دهه ۸۰ شمسی به شکل ویژه‌تری در امور عراق، سوریه، لبنان و گروه‌های مقاومت دخیل باشد. امری که از ایشان دیپلمات‌ حوزه مقاومت ساخته بود. در ماه‌های پس از طوفان الاقصی تلاش‌های ایشان برای بی‌آبرویی صهیونیست‌ها و نجات مردم غزه تا ابد در تاریخ آزادی فلسطین خواهد ماند.

تعامل عزتمندانه

در حوزه‌های تعاملات خارجی و دیپلماسی اقتصادی هم سفرهای ریاست‌جمهوری به سراسر دنیا از ونزوئلا تا کشورهای آفریقایی برای همکاری‌های اقتصادی و حتی همکاری‌های علمی و مهندسی نمونه‌ای از رشد عزتمندانه دیپلماسی این دوره در تمام جهات بود.

عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای و بریکس از دیگر باب‌های فعالیت‌های دیپلماتیک در آینده بود که شهید امیرعبداللہیان به یادگار گذاشتند.

امید است همکاران ایشان در وزارت خارجه راه ناتمام او را ادامه دهند. ظرفیت‌های ایران در دیپلماسی فعالانه اقتصادی هنوز مغفول مانده و راه حل بی‌اثر ساختن تحریم‌ها از توجه به همین روابط می‌گذرد. خداوند شهدای عزیز ما را مورد رحمت و مغفرت خویش قرار دهد.

دیپلماسی هوشمندانه شهید امیرعبداللہیان و تیم ایشان به گونه‌ای بود که ما در ماه‌های پایانی زندگی ایشان با تمام همسایگانی که چالش زیادی داشتیم روابط عمیق دیپلماتیک شکل دادیم. پیش‌برد توافق با هند در چابهار، سفر پرافتخار رییس‌جمهور به پاکستان، حضور نیچروان بارزانی در ایران، آغاز دوباره حج عمره و تمتع و برنامه افتتاح سد مشترک با جمهوری آذربایجان که آخرین اقدام مثبت ایشان در مسئولیت خود بود و پس از آن به شهادت رسیدند.

توازن هنرمندانه

تقریباً سه ماه بعد از تنش‌های مرزی ایران و پاکستان و بعضاً تحلیل‌های مغرضانه صرفاً برای تخریب چهره دیپلماسی جمهوری اسلامی و دولت، آیت‌الله رئیسی با دعوت رسمی و استقبال نخست‌وزیر پاکستان وارد اسلام‌آباد شدند. مدیریت شهید امیرعبداللہیان در توازن پاسخ سخت به تروریست‌های مستقر در داخل مرزهای پاکستان و حفظ روابط دیپلماتیک عمیق از جلوه‌های دیگر هنر ایشان در تلفیق میدان و دیپلماسی بود.

ایستادگی مردانه

ایشان به علت دو دهه مسئولیت در وزارت امور خارجه به خصوص در قسمت عربی و آفریقایی

رازنگین رئیس جمهور

علیرضا عسگری

عضو هیئت تحریریه نشریه میدان انقلاب بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف

چونان ضربه‌های چکشی که بر سر شمشیر فرود می‌آورند، همین اتفاقات و عادی زیستن‌ها این ملت را ساخته. این ضربه‌ها به شمشیر است که ناخالصی‌ها را از آن می‌زداید و آن را مستحکم‌تر می‌کند؛ و تاریخ می‌خواهد که این خاک روزبه‌روز مستحکم‌تر شود تا شاید شمشیر عدالت خواهی‌اش در عالم برنده‌تر از همیشه باشد. با هر نقصانی که یقیناً تاریخ می‌خواهد آن‌ها را بزدايد. باید به آینده‌ی این شمشیر پس از این ضربه‌ها اندیشيد. ضربه‌ها را باید تحمل کرد. هرچه هست باید گذر کرد باید درس گرفت، عبور کرد و نایستاد؛ ما محکوم به حرکتیم؛ یا شاید به تعبیر بهتری:

**از لگد کوب حوادث عمر دیگر یافتیم
چون غبار از زیر پای کاروان برخاستیم**

خاک، شمشیر، چکش! در طول تاریخ این چند سده اخیر ایران و جنگ‌ها، دادخواهی‌ها و ظلم ناپذیری‌هایش، آنجا که سم اسبان اجنبی وارد این خاک می‌شد، غارت می‌کرد و تکه‌هایی از این خاک را از آن جدا می‌کرد چه آنجا که با شمشیر در برابر تفنگ می‌ایستادند اما وجب به وجب پس می‌گرفتند. چه در حیات این ۴ دهه و بالا و پایین‌هایش، چه خاصه این چند سال اخیر؛ ۹۸ و آبان و شهادت حاج قاسم و هواپیمای اوکراینی، ۹۹ و ۴۰۰ کرونایی و از دست دادن عزیزانمان و شهادت فخری زاده‌ی عزیز، ۴۰۱ و اتفاقات خاص خودش که چند سال همه‌مان را پیر کرد، ۴۰۲ و فلسطین و شهادت مردان خدا و حادثه‌ی کرمان و چه الان که ۴۰۳ در همان ابتدایش روی سخت خود را به ما نشان داد، شاید عادی زیستن برای مردمان این خاک از آنجا که گویا قرار نیست تحقق یابد فراموش شده.

چه خوش عاقبتی ست در راه خدمت به خلق و عدالت گستری نزدیک آن روستای مرزی-در حالی که می توانستی پشت میز بنشینی- به لقا الله پیوندی؛ خدا شما را کافی بوده و هست آقای رئیسی، آقای آل هاشم، آقای امیر عبداللہیان، آقای رحمتی، آقای... صافی و اخلاص شما را ماندگار خواهد کرد. همان هنگام که قرآن و عکس حاج قاسم را بدست گرفتید و به دنیا نشان دادید. عیار آن ها که می خندند و خوشحال اند کم است. با هر ضربه ای به این شمشیر از آن جدا می شوند. حسرتش را بعدها خواهند خورد. ایران، ایران امام رضاست و او خوب محبان و خادمانش را می خورد...

رضوان خدا بر روح الله خمینی که این نهضت هنوز زنده را بنا نهاد.

قبل از انتخابات ریاست جمهوری در جلسه ای که آقای رئیسی ترتیب داده بود تا نکات و مشکلات نخبگان قسمت های مختلف را بشنود بر سر شوخی و مزاح با دوستان از ایشان هدیه ای خواستیم؛ انگشترشان یادگاری ما از آن جلسه بود. از همان زمان خطاطی روی انگشتر، در ذهن مان حک شد. «حسبنا الله و حافظی» که روی نگین سبز آن انگشتر حک شده بود شاید راز آرامش بخشی ست که باعث می شود مردان خدا شب و روز نشناسند و خدا برایشان کافی باشد. شاید هدیه اصلی آقای رئیسی به ما بود که چون چراغی مسیر را روشن می ساخت؛ این می شود که به دور از زخم زبان و تلخی اطرافیان خسته نشوی و برای آرمانت و خدمت به خلق فقط به او تکیه کنی. شاید "حسبنا الله و حافظنا" راز پایداری این خاک است، راز حرکت این ملت و استحکام این شمشیر و گرنه که این شمشیر چه قدر می تواند تحمل کند؟



بین این صف‌اولی‌ها به آغوش مولا رسیدند

زهراصابری

دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان (تحکیم وحدت) دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

هنوز قطعه‌های بریده‌بریده‌ای از اشعار میثم مطیعی در ذهنم تکرار می‌شود «ای نشسته صف اول...». مگر صف اولی‌ها هم شهید می‌شوند؟

آن روزها بین صف اولی‌ها و مردم نرده‌ها فاصله بود، و درد دل محرومان میان این فاصله‌ها گم.. آقای رئیس جمهور شما تصویر رجایی و باهنری که ما ندیده بودیم شدید، انگاری صدق و صفای دهه‌ی شصت بازگشته. چون شهید سلیمانی مرد میدان شدید؛ مرد میدان سیاست. در شأن رئیس جمهور نیست با میز قهر کند و راهی دیدار مردم در محروم‌ترین مناطق شود که حتی بخشدار و فلان مسئول را هم ندیده‌اند. در تصور کسی نمی‌گنجید زمزمه‌ها درست از آب دربیایند و آخر عاقبت دریکی از همین سفرهای استانی شهید شوید.

با آمدن شما ورق برگشته بود و مدیریت‌های کنهسال و فرتوت به جوانان جهادی سپرده شد. میز خدمت سنگر جهادی‌شان و شبانه‌روز برای مردم تلاش می‌کنند. چون دکتر رحمتی استاندار شهید و جوان تبریز که از جوانان لایق بود.





ایران دانشجویان نشریات

شما شکستن زنجیر تحریم‌ها را نه با چرخش به غرب که با تکیه بر نیروی داخلی و عزم و اراده‌ی ایرانی امکان پذیر کردید. چشم به راه غربی‌ها نماندید و بردیپلماسی عزتمندانه مهر تایید زدید.

و درد امروز دنیا فلسطین؛ شهید دکتر امیرعبداله‌یان به معنای واقعی کلمه دیپلمات میدان بود. پشتیبانی تمام قد از جبهه مقاومت، شما و وزیر خارجه‌ی خستگی‌ناپذیرتان را در تاریخ سیاست خارجه ایران ماندگار کرد.

ثابت کردید که از سیاست نیز می‌توان به شهادت رسید. غمان آنقدر زیاد است که انگاره تاریخ برگشته و ۳۱ اردیبهشت ۱۳ دی شده. اما ایران، ایرانِ امام رضاست، چون نوح است کشتیبان زطوفان غمان نیست.

عاقبت به خیر شدید آقای رئیس جمهور. سلام ما را به حاج قاسم برسانید.

هجمه‌ها تهمت‌ها از خودی و غیر خودی از دوست و دشمن قلبتان را نرنجانده بود، آنها را به خدا واگذار و بخشیده بودید. این قلبی که شب و روز برای مردم می‌تپید، خاضعانه و خاشعانه، صاف و صادق در مقابل پروردگار بود و حتی جای پاسخ به مخالفان و توهین کنندگان باز در آغوش مردم آرام می‌گرفت. استراحت و فراغت برایتان نبود. همه وقت و زندگی‌تان را وقف مردم کرده بودید.

آن روزها دل به امضای فلان بسته بودند، کشور را، آب خوردن مردم را بند برجامی کرده بودند که تنها بوی متعفنی از روح و جسمش باقی بود. سیمان، قلب راکتورهایمان را سوزانده بود و چرخه‌ی هسته‌ای روز به روز کندتر می‌شد. به بهانه‌ی رفع تحریم عزت ملی مان خدشه دار شده بود اما سیاست خارجه عزتمندانه دولت شما عزت ملی‌مان را بازگردانید. پای خون دیپلمات‌ها مان در سوریه ایستادید و وعده صادق رقم خورد. جای نشستن پای میز مذاکره در میدان به صهیونیست‌ها درسی داده شد که دیگر خطای اینچنین نکنند.

آن روزها وزارت خارجه کیلویی چند؟ آنجا وزارت غربگرایی بود. مگر پیش از آمدنتان در تصورمان بود روزی پای کشورمان به بریکس و شانگهای باز شود؟ مگر با این شیوه‌های غرب‌گرایانه امکان گشایش روابط با روسیه، چین و همسایگان بود؟!



یک پیام

زینب کرد

مسئول خواهران اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور

بسم رب الشهداء والصدیقین

شهادت خادم الرضا رئیس جمهور شهید آیت الله دکتر ابراهیم رئیسی و جمع همراه ایشان را تبریک و تسلیت عرض میکنم. ایشان به واقع یک مهاجد فی سبیل الله بودند، این آیه **"فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا"** (ایه ۹۵ سوره نساء) برای ایشان واقعا صدق میکند. همانگونه که سردار شهید حاج قاسم گفتند، شهادت اتفاقی نیست، سعادت است که نصیب هرکسی نمی شود، باید شهیدانه زندگی کرد تا شهید شوی. شهادت ایشان هم مزد سال ها تلاش، اخلاص، کار جهادی و مردمی بودنشان بود. همانگونه که میدانیم همه اعمال انسان ها شاید درست نباشد، اما خداوند نیت ها را ملاک قرار می دهد.

در این سال ها ممکن است ایشان هم بدون خطایی نبوده باشند اما شهادت ایشان ثابت کرد تاجایی که توانسته مخلصانه عمل کرده، و خداوند شهادت را تقدیمشان کرد. ایشان وقتی دولت را دست گرفتند دولت بدهی ۵۴ هزار میلیارد تومانی و کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومان داشت؛ از این نقطه منفی آغاز کرد و تا پایان سال ۱۴۰۲ باعث تغییر در خیلی از مسائل مانند: کاهش نرخ بیکاری به ۷٫۶ درصد در ۳۰ سال اخیر شد، افزایش رشد اقتصادی از ۰٫۶ درصد به ۶٫۴ درصد، تحول در نظام مالیاتی، سرمایه گذاری های خارجی، دعوت ایران به گروه های مهم جهانی مانند پیمان شانگهای، بریکس شد، که خود گویای بازگشت ایران به آن جایگاه مدنظر سیاسی و اقتصادی در جهان است؛

ایران دانشجویان نشریات

ابراهیم رئیسی فرزند فدائی واقعی میهنش و دولتمرد و سیاستمدار مورد احترام بی حد ملت خود بود که تلاشهای بی نظیری را در راه پیشرفت ایران و رفاه مردم کشور و افزایش اعتبار کشورش در عرصه بین المللی انجام میداد... او باید میرفت و اینگونه هم باید میرفت تا ثابت کند به یاوه گویانی که با حرف ها و دروغ های که می گفتند و فقط می خواستند تضعیف کنند ایران را، دولت را و این سید مظلوم را. شهادت مبارکت باشد بنده مجاهد و مخلص خدا، دست تو برای یاری و کمک به کشور امام رضا (ع) بازتر شده ای خادم الرضا.

خداوند تورا عاقبت به خیر کرد و ان شاءالله همه ما و مسئولین را هم عاقبت به خیر کند. از خداوند برای رهبر عزیز، ملت ایران و تمام بازماندگان ایشان که چنین فردی را از دست داده اند صبر طلب میکنم و ان شاءالله راه ما ادامه راه ایشان باشد.

و کارهای بسیار دیگر که اگر اینچنین فردی برسرکار نبود ما همچنان در حال التماس به غربی هایی بودیم که خودشان برجام را پاره کرده بودند و از آن خارج شده بودند و تمام عزتشان را از دست داده بودیم. بار دیگر فرد مخلصی با شهادتش باعث عزت برای ایران اسلامی و آبیاری درخت انقلاب شد. اقتدار، عزت و شخصیتی که ایشان داشت و همچنین جایگاهی که در این ۳ سال برای کشور ایران ساخت باعث متاثر شدن جامعه جهانی چه از بعد سیاسی در جوامع بین المللی و چه کشورهای همسایه شد که با فرستادن پیام تسلیت ناراحتی خود را ابراز کردند، مانند سازمان ملل، شورای اتحادیه اروپا، نخست وزیر ایتالیا، روسیه، ژاپن، چین، پاکستان، هند، ترکیه و بسیاری از کشورهای دیگر پیام رئیس جمهور ازبکستان شوکت میرضایف گویای این مطلب است:



سقوط بی صدا

ریحانه زین الدینی

عضو هیئت تحریریه نشریات دانشجویی انجمن اسلامی (تحکیم و وحدت) دانشگاه الزهرا

شعار اصلی ایشان این بود که ما از کنار چاله‌ها عبور نمی‌کنیم، بلکه آن‌ها را چاره خواهیم کرد. شاهد بودیم که چقدر مشکلات کشور در این سه سال برطرف شد و بخش زیادی از آن‌ها هم در حال برطرف شدن است. شعار مبارزه با فساد چه در دوران مسئولیت در قوه قضاییه و چه در قوه مجریه، شعار اصلی ایشان که بر آن تاکید داشتند مبارزه با فساد بود که برایشان هیچ حد و مرزی نداشت آیت‌الله رئیسی، موفقیت‌های بزرگی در حوزه‌های کلان مانند کنترل متغیرهای پولی، پایداری ساختار انرژی اعم از برق، گاز و آب، نهضت ملی مسکن و... به دست آورد. نتیجه این اقدامات، جهش شاخص‌های کلان اقتصادی است.

صبح روز دوشنبه خبری راشنیدیم که همه ما را متاثر کرد، متأسفانه شاهد شهادت رئیس جمهور سید آیت‌الله رئیسی و اعضای همراه ایشان از جمله امیر عبدالهیان وزیر امور خارجه بودیم.

آیت‌الله رئیسی هشتمین رئیس جمهور ایران بودند که محبوبیت خاصی در بین مردم داشتند و با جمله ما خادم مردم هستیم وظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دادند.

آقای رئیسی با همه وجود می‌سوخت تا مشکلات مردم حل شود یکی از ویژگی‌های ممتاز ایشان «مردمی بودن» بود و محبتی که به مردم داشت. ایشان با همه وجود خود می‌سوخت برای اینکه تکالیف مردمی را به بهترین شکل خود انجام دهد.



دولت سیزدهم، اخیراً موفق به ایجاد ثبات در بازار ارزاق هم شد که همه اینها نتیجه تلاش خستگی ناپذیر و بدون تعطیلی آیت‌الله رئیسی و دولت ایشان است. ایشان در ایام هفته مشغول به خدمت در مرکز بودند و دوروزه آخر هفته را به سفرهای استانی می‌پرداختند و پای در دل مردم می‌نشستند. همه به یاد دارند که رئیسی در شرایطی کار ریاست جمهوری را شروع کرد که دولت با مشکل پرداخت حقوق، انبارهای تقریباً خالی از کالاهای اساسی، خزانه منفی، کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی، نرخ تورم بیش از ۶۰ درصدی، قطعی مکرر برق و صف ارزاق و دهها مشکل ریزو درشت اقتصادی مواجه بود اما در طول نزدیک به دو سال و ۱۰ ماه، تقریباً همه شاخص‌های کلان، مثبت شده یا مثل بخش نفت، جهش کرده است.

هرچند آمارهای فروش نفت ایران با توجه به محدودیت‌های تحریمی، به طور رسمی اعلام نمی‌شود اما برآوردهایی از سوی مراکز داخلی و خارجی مطرح می‌شود. آخرین گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد تولید نفت ایران در سال ۱۴۰۲ حداقل به سه میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز افزایش پیدا کرد.

همچنین کاهش نرخ بیکاری به هشت و دو دهم که کمترین نرخ بیکاری پس از انقلاب است؛ در نتیجه افزایش رشد اقتصادی و احیای شش هزار واحد تولیدی را کد رخ داده است.

کشور در دوران ریاست جمهوری رئیسی، با وجود کم بارشی و به دلیل اعتمادسازی دولت و شخص رئیس جمهور در کشاورزان، در تولید گندم نان خودکفا شد و اخیراً بازار مرغ و تخم مرغ و اغلب کالاهای معیشتی به ثبات رسید.

همچنین فسادستیزی رئیسی که در قوه قضائیه با برخورد با سلطان سکه و چند مجرم اقتصادی دانه درشت عیان شده بود در ماجرای برکناری وزیر سابق جهادکشاورزی قبل از هر اقدام قضائی، بار دیگر عیان شد. دولت رئیسی طرح‌های معیشتی دیگری هم داشت. طرح کالابریگ الکترونیکی برای توزیع سبدهای غذایی با ۱۱ قلم کالای اساسی در سال ۱۴۰۲ در دستور کار دولت رئیسی قرار گرفت.

تابستان دو سال اخیر، رکورد مصرف روزانه برق، در روزهای متوالی شکسته شد و مصرف از ۷۰ هزار مگاوات عبور کرد اما قطعی برق ناشی از کمبود، رخ نداد. نکته مهم اینکه امسال برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران رشد مصرف برق صنایع از بخش خانگی بیشتر شد. پس از سال‌ها، خاموشی‌ها و قطعی روزانه برق مجدداً داشت به زندگی مردم برمی‌گشت اما با شروع دولت سیزدهم ظرفیت تولید برق ۸۵۳۸ مگاوات افزایش یافت و دیگر از خاموشی‌های مکرر خبری نیست.

همچنین در ابتدای دولت سیزدهم، ۱۰ هزار روستا شناسایی شد که نیازمند انجام اقدامات جهادی برای آبرسانی بودند و مقرر شده بود در طول عمر چهار ساله این دولت، این ۱۰ هزار روستا از نعمت آب شرب پایدار برخوردار شوند. از ابتدای دولت تا پایان سال ۱۴۰۲ قریب به پنج هزار روستایی که تا پیش از این از نعمت آب شرب پایدار بی‌بهره بودند آبرسانی شده و بدون شک جهاد آبرسانی روستایی، یادگاری ماندگار از رئیس جمهور شهید آیت‌الله رئیسی است.



هیچ کس را نمی‌توان اسم برد که در رفتارش اشکال نداشته باشد. مرحوم ریسی هم اشکال‌هایی داشت که دلیل نمی‌شود، تلاش اش برای خدمت به کشور و مردم را نادیده گرفت.

در واقع این دیپلماسی قوی ایشان، حاصل دوستی و رفاقت بین همسایگان کشور شده بود. به قول جناب وحیدی وزیر کشور ملت ایران در عرصه‌های گوناگون انقلاب اسلامی و بحران‌های مختلف همچون شهادت شهیدان بهشتی، رجایی و باهنر نشان داده‌اند که با انسجام، وحدت و همدلی تحت رهبری امامین انقلاب از حرکت به سوی هدف الهی خود باز نخواهند ایستاد و فرزندانشان در دولت مردمی حضرت آیت الله شهید سید ابراهیم رئیسی نیز با تبعیت از فرمان رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، لحظه‌ای در خدمت‌گزاری و انجام وظایف خود درنگ نخواهند.

بهمن ۱۴۰۲، طرح فجرانه کالابری الکترونیکی به مناسبت پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی از سوی دولت به مرحله اجرا درآمد تا به واسطه آن، بیش از ۶۰ میلیون نفری که مشمول دریافت کالابری الکترونیکی بودند بتوانند از یارانه مضاعف این طرح استفاده کنند. در این طرح که ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ به اتمام رسید حدود ۱۴۲ میلیون بسته میان مردم توزیع شد و به جز تشکیل چند مورد صف که در روزهای ابتدائی طرح فجرانه و به علت عدم اطلاع‌رسانی گسترده شکل گرفته بود دیگر شاهد تشکیل صف یا عدم وجود کالا نبودیم. مرحوم ریسی در جایگاه ریاست جمهوری فعالیت چشمگیری از خود نشان داد.

البته به دلایلی برخی از وعده‌هایش عملی نشد، ایشان نه تنها در وظایف داخلی کشور خوب عمل کردند بلکه تنها کسی بودند که در زمان ریاست جمهوری‌شان با جرأت و قدرت تمام به اسرائیل حمله و انتقام خون شهیدان ما را از آنان گرفتند.



سربازی از جنس رجایی

شکوفه جم

دبیرانجمن اسلامی دانشجویان (تحکیم وحدت) دانشگاه شریعتی

تنها ۲۸ روز از رسیدن محمد علی رجایی به منصب خود گذشته بود که همراه با نخست وزیر خود، محمد جواد باهنر در یک بمب گذاری مظلومانه به شهادت رسیده و کشور را در بهت و حیرت فرو بردند، جنایات بهت برانگیز در مدت زمان کوتاه که باعث شد خیال خام پایان انقلاب اسلامی بین دشمنان قوت گیرد، غافل از آنکه استحکام پایه‌های نظام اسلامی ما فوق تصور بشری است.

پس از به وقوع پیوستن انقلاب و پایه گذاری نظام مقدس جمهوری اسلامی، مردم ایران همواره مبتلا به امتحان بوده‌اند. خاطرات روزهای سخت دهه‌ی شصت هنوز برای بخشی از مردم ایران زنده و تازه است. آن روزها که مردم ایران در مرزها در حال دفاع از خاک خود بودند و در کوچه و خیابان‌های پایتخت و شهرهای دور از مرزها نیز علاوه بر آن که مردم زیادی به طور مداوم توسط سازمان منافقین شهید می شدند، با ترور و شهادت افراد کارآمد نظام نیز مواجه بودند.

پس از شهادت شهید بهشتی در سال ۱۳۶۰ بود که بنی صدر، رئیس جمهور وقت ایران از کشور گریخت و طی انتخاباتی محمد علی رجایی به عنوان رئیس جمهور منتخب ملت ایران برگزیده شد.





پس از گذشت چهار دهه از آن وقایع تلخ، در ذهن اذهان عمومی اینگونه جا افتاده بود که شهادت صرفاً برای سربازان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش و نیروهای بسیجی در میدان جنگ و رو در رو با دشمن رخ خواهد داد؛ غافل از آن که باب شهادت به روی خدمتگزاران واقعی مردم باز بوده و میدان جهاد گسترده تر از تصور ماست؛ درگذشت شهادت گونه‌ی رئیس جمهور و همراهانش در میدان خدمت به مردم یادآور روزهای تلخ دهه‌ی شصت است. نسلی که تمام تصورش از حوادث تلخ آن دوران خاطراتی ست که از دل تاریخ می‌شنود، با حادثه‌ی دردناکی که رخ داد شرایط آن روزهای ایران اسلامی را لمس می‌کند. هرچند که انقلاب اسلامی در قله است و نیرومندتر از همیشه، اندوه ما از غیاب سربازانی از جنس شهید رجایی ست، سربازانی با اخلاص و سرشار از عشق به وطن که جهان نمونه‌ی آنان را نخواهد دید. این اتفاق نشان دهنده آن است که انقلاب اسلامی ایران همچنان زاینده، پویا و پیشرو است و از این گونه انسان‌های خدوم در دامان خود بسیار دارد.

آرمان امام روح‌الله چنین است، آرمانی که شکست در آن معنایی ندارد و خون باعث استحکام آن می‌شود. چرا که الگویی می‌شود برای تمام کسانی که در این حرم الهی زندگی می‌کنند و با شهید شدن یک شخص ده‌ها شهید دیگر پا به عرصه می‌گذارند

وراه را ادامه خواهند داد.

علی رغم تمام انتقادهای غیرمنصفانه و تهمت‌هایی که بسیاری از انقلابیان نیز نثار سید محرومان می‌کردند، او مصداق آیه‌ی «من کان لله، کان الله له» شد و نشان داد که اگر در این دنیا، مخلصانه و برای خدا گام برداشت، خداوند متعال آن را ثبت و ضبط کرده و در جایی آن را برگردانده و رخت شهادت را اندازه‌ی قامتشان می‌کند.

برسد به دست رئیس جمهور

ملیکا پرتابیان

سردبیر نشریه رصد جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

راه خدمت

رئیس عزیز خستگی نمی‌شناخت. (امام خامنه‌ای

(مدظله العالی)) ۳۱/۲/۱۴۰۳

هستند کسانی که به آسانی خسته نمی‌شوند، اما شما خستگی ناپذیر بودید! مگر از چه بود جنستان که خستگی را نمی‌شناختید سید!

شبانه روز

وقتی صحبت از خستگی ناپذیری می‌شود، در پی آن، باید شبانه روز را شناسی! چرا! اگر خدا شناس باشی و خستگی ناپذیر، شبانه روز در پی و فکر خدمتی.

«تلاش شبانه روزی برای صلاح و رضایت مردم»، این یک ویژگی است، یک ویژگی خدا پسندانه، آن هم خیلی خدا پسندانه؛ هر کسی این ویژگی را ندارد سید، اما شما در آن زبده بودید؛ استاد تلاش‌های بی‌وقفه برای مردم و کشور.

کار برای مردم

گفتیم خستگی ناپذیری و بعد از آن تلاش بی‌وقفه و شبانه روزی؛ نوبتی هم که باشد این بار نوبت می‌رسد به کار برای مردم.

کار کردن برای مردم یا کار کردن برای صلاح و رضایت مردم، که می‌رسد به رضای خدا؛ و می‌بینیم که خدمت به خلق خدا آنچنان جایگاهی برای شما داشت که طعن و ناسپاسی‌ها مانع کارتان نمی‌شد، گویی درس روحیه را نزد مولایمان علی آموخته بودید.

امروز یا فردا

سید بزرگوار، امامان فرمودند که «دولت شما فردا را قربانی امروز نکرد» (۱۴۰۲/۰۶/۰۸) و به نظر من، همه اهمیت این جمله را با یک بار شنیدن و تعقل و فکر درک می‌کنند، و شاید می‌توان گفت که همین یک جمله، خود دریایی از معرفت و دلسوزی است؛ معرفت و دلسوزی شما نسبت به ملت و کشور.

شما سید ولایت پذیری بودید که ولی از شما و دولتتان تمجید کرد؛ ولی، از شما و دولتتان تقدیر کرد، در این هنگام چه کردید! زیر لب الحمد لله گفتید و شکر کردید این نعمت را؛ شما نعمت را شکر کردی و حال همه دیدیم که بر نعمت هایتان افزوده شد.

سید بزرگوار، از شما ممنونیم که نفع مردم و کشور خواسته شما بوده و فردایمان را قربانی امروز نکردید. ما در آینده و حتی آیندگان نتایج خیرخواهی هایتان را خواهند دید و تاثیر آن خیرخواهی ها ظاهر خواهد شد و نفعتان به همه خواهد رسید.

دیگر مثبت‌ها

در دولت شما خیلی چیزها به چشم می‌آمد سید متواضع، خیلی چیزها چشم نواز بود؛ مثل: روحیه‌ای که در شما بود و به جوانان هم هدیه می‌دادید؛ ساختن روحیه آن هم برای جوان و علاوه بر آن اعتماد به جوان‌ها، زی مردمی شما، خاکی بودن شما، در دل مردم بودن و با مردم ارتباط گرفتن شما، کاهش تجملات در شمال دولتتان و ... نکات مثبتی است که فراموش نخواهند شد و شما را متمایز کرده است.

سید ولایت‌پذیر

به رفتار شما که نگاه می‌کنم به حقیقتی پی می‌برم! می‌گویند که «شکر نعمت، نعمت افزون کند» و حقا که، آرزوی هر انسان انقلابی و ولایت‌پذیر، تمجید ولی از اوست که نشان از تمجید خدا دارد؛



راه شهیدان رجایی و باهنر

شهیدان رجایی و باهنر دو نکته دارند، که یک نکته، نکته دیگر را در بر می‌گیرد. آن یک نکته که دیگری را در بر می‌گیرد این است که این دو بزرگوار دنبال رضای خداوند بودند و نکته دیگری که در برگرفته می‌شود، این است که این دو بزرگوار برای مردم کار می‌کردند تا به رضای خداوند برسند؛ و حال شما رهرو راه استادان خود بودید؛ بدانید که ما دریافت کردیم نیت و هدف شما را و ارج می‌نهم آن را.

دعا کنید سید ولایی، دعا کنید که راه شما بعد از شما برای رئیس جمهوران بعد از شما هم هدف باشد و ادامه پیدا کند؛ چون والا است این هدف؛ والاترین است این هدف.

کام تلخ

آری، جمهوری اسلامی ایران، عزیزی در صحنه و ناآشنا با خستگی، بزرگوار و فداکار، متواضع و ساده زیست، کسی که دغدغه‌مند مردم و کشورش بود، و... را از دست داد؛ و در نتیجه این از دست دادن، غم دار شد؛ و به دنبال التیام گشت!

التیام: من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، در عین حال، می‌دانم که آن‌ها به رفیق اعلی متصل شده اند و برای آن‌ها آرامش هست و این طور گرفتاری‌هایی که الآن برای ما هست، دیگر برای آن‌ها نیست و آن‌ها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت، به آن‌ها و به خانواده‌های آن‌ها و ملت اسلامی تبریک عرض می‌کنم که چنین شهدایی تقدیم می‌کنند. (واکنش امام خمینی (ره) به واقعه انفجار دفتر نخست‌وزیری)

ادامه دارد

سید فداکار، با توجه به روحیه و اخلاقی که از شما سراغ داریم، اگر بودید، می‌گفتید: «چون شما را نوح است پشتیبان ز طوفان غم مخورید» و ادامه دهنده‌ی راه باشید...، پس، أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ مَا عَنَانٌ بِهٖ أَمِينٌ (امام خاмене‌ای (مدظله العالی)) داده‌ایم (بیت آخر سروده افشین اعلا) و از راه کناره نخواهیم گرفت.

ناگفته‌ها

آنقدر حرف برای گفتن هست ...، آنقدر نکته مثبت هست ...؛ به علت کمبود وقت سخن کوتاه می‌کنم و امید می‌بندم به آنکه دیگر دوستان قلم زده باشند در وصف ناگفته‌ها...

پیش نویس:

عذرخواهی می‌کنم اگر ایشان را سید خطاب کرده‌ام قطعاً قصد هیچ‌گونه بی‌احترامی و دیگر منظورات بد را نداشته‌ام، فقط خودمانی بود این نوشته.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



سر نوشت مقدران خمینر (۹)
چیزی جز شهادت نیست.

شهید بهشتی

آنچه ولایت خوانند

محمدشاهد چرخکار

مدیرمسئول نشریه سحرانجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

در مقام بیان آنچه دنبال آنیم

ولایت پذیری فرآیندی اندیشه محور و عمل گرا در تبعیت محض از ولی جامعه است. ولایت به خودی خود سخن از زنجیرهای به هم پیوسته ای دارد که هم در ساحت اندیشه و هم در بستر عمل جلوه گرمی شود.

وقتی به سراغ خوانش ها از مقوله تبعیت از ولایت فقیه (ولایت پذیری) می رویم در سطح مردم، مدیران و کارگزاران کشور نمونه های مختلفی می توانیم مشاهده کنیم.

در این مسئله گروه های مختلفی را می توان برشمرد که در ۳ گروه کلی می توان تقسیم نمود:

گروه اول کسانی هستند که در صحبت های ولی، اعم از اوامرو توصیه ها، در مقام حرف، پذیرش داشته ولی در عمل آنها را کاملاً دارای وجه توصیه ای به شمار می برند. به بیانی دیگر «خوب است بشود» می گویند و کار خود را ادامه می دهند.

گروه دوم افراد معتقدتری را شامل می شود. به نحوی که فرمایشات ملازم به افعال امری، مثل باید ها و نبایدها را لازم الاتباع و توصیه ها را صرفاً توصیه می بینند و خود را به عمل به آنها مخیر.

گروه سوم را با نقل خاطره ای معرفی می کنم. نقل شده است روزی دبیر کل حزب الله لبنان به خدمت استاد فکر، علامه مصباح (رضوان الله تعالی علیه) می رسد و عرضه می دارند: (ما به معنایی از «ولایت») رسیدم و آمده ایم آنرا به شما عرضه کنیم تا نظر شما را بدانیم.

علامه مصباح می فرمایند: (چگونه؟)

سید حسن نصرالله ادامه می دهند: (بعضی امور را ولی، امر می کنند که خب، انجام آنها واجب و لازم است. گاهی نهی می کنند که انجام آنها حرام و اشتباه است. این قدر متیقن است. اما ما می گوییم زمان هایی که ولی، حرف و موضع صریحی ندارند ما فکر می کنیم طبق «مبانی»، «اصول» و «مزاج» ولی، کدام کار پسندیده است و کدام کار پسندیده نیست.

یعنی نگاه می کنیم اگر احتمال داشته باشد کار ما او را خوشحال کند آنرا انجام می دهیم و اگر احتمال داشته باشد ناراحت شود آن را انجام ندهیم.)

می‌توان ذیل ساحت عمل مطرح کرد. سخنان بالا مقدمه‌ای برای بیان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید سید ابراهیم رئیسی بود. عملکرد ایشان در مناصب مختلف کشوری حاکی از توجه کامل به اوامرو فرمایشات ولی جامعه دارد.

ولایت پذیری بالای ایشان در موقعیت‌های مختلف سرآمد و الگویی از عملکرد مطلوب یک مدیر انقلابی در کشور بود. وحدت قوا یکی از توصیه‌های اکید رهبری طی سالیان گذشته بود که شهید رئیسی با سکوت خود در مقابل تفرقه افکنان عملکرد در خور ستایشی از خود نشان داد. بحث حذف ارز نیز از آن کلان مشکلاتی بود که به بیان خود ایشان «حاضر شد از آبروی خود» بگذرد ولی این مشکل را حل کند.

نقل‌های دیگری نیز از تبعیت حقیقی از بیانات رهبر انقلاب مطرح شده که بعضاً به دلیل ملاحظات فعلی مجال صحبت از آنها نیست و ان شاء الله در آینده نه چندان دور در موقعیت مناسب بیان خواهد شد.

علامه مصباح فرمودند: (این همان «ولایت حقیقی» است.

در این مسئله گروه‌های مختلفی را می‌توان برشمرد که در ۳ گروه کلی می‌توان تقسیم نمود:

نقطه سر خط

ولایت در ۲ ساحت متفاوت

ولایت پذیری در دو ساحت اندیشه و عمل قابل بیان است. در ورطه اندیشه، مطلوب و آرمان منادیان ولایت رسیدن به منظومه فکری ولی جامعه است. همانطور که قلم‌های مختلفی در باب این مسئله زده شده و کتاب‌هایی به بازار عرضه شده. چنانچه علامه حسن زاده (رضوان الله تعالی علیه) در آن جمله سراسر نور فرمودند: (گوشتان به دهان رهبر باشد که گوش ایشان به دهان حجت ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. در عصر حاضر مطالعه بیانات روز ولی و کتاب‌های نوشته شده ایشان از زمره مهم‌ترین عوامل رسیدن به منظومه فکری ولی جامعه خوانده می‌شود.

در مورد اعمال منطبق با امر ولی می‌توان جمله شهید سلیمانی را به یاد آورد: (از مهم‌ترین شئون عاقبت بخیری رابطه قلبی و دلی با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد). عمل بی‌چون و چر او گذاشتن آبرو و اعتبار را

از اول مجلس شهدار را چیدند

هانیه سپهوند

مدیرمسئول و سردبیر نشریه جوهر دانشگاه علوم پزشکی لرستان

که تواضع حد اعلاى ماست که صف اول را خالی گذاشته ایم و همیشه از آخر مجلس شهدار را میچینند، اما این تواضع نبود، ترس بود!... سهمگینی میدان جنگ ما را از میدان مبارزه ترسانده بود.

غافل از اینکه موحد کسی نبود که خود را از مهلکه و میدان دور کند و با وجود توانایی های خداداده، خود را با کارهای کوچک سرگرم کند، موحد کسی بود که لباس تقوا به تن کند و به میدان برود. شهید رجایی ها و باهنرها و بهشتی ها میدانستند در میدانی که به آن پا میگذارند، جنگی سخت برپاست، جنگی اکبر از تمام جنگ ها و میدانها، در آن آبروهای چندین ساله برباد میرود، تهمت های عظیم جگرسنگ را میسوزاند، صندلی های این میدان خیلی ها را از پا درآورده درآورده و از مسیر خارج کرده، اما موحد بودند، پس لباس رزم بر تن کردند و صندلی های خالی که چشم امام زمانشان به دنبال پرکننده آنها میگشت را پر کردند، وزنه های سنگینی که کسی جرأت بلند کردن آنها را نداشت را بلند کردند. ما فقط قصه رجایی را شنیدیم و باور کردیم، شاید هم چون ندیدیم باور نکردیم... اما امروز دیدیم میشود! گرچه هرچه میدان سخت تر، نیاز به زره و سلاح قویتر اما پیروزی نهایی آن شیرین تر، عظیم تر، اثرگذار تر...

ما گمان میکردیم رجایی ها تمام شده اند، تب و تاب و شور اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی بود که خود به خود بستر را برای شهیدانه زیستن رییس جمهور و رییس قوه قضاییه و رییس مجلس و... فراهم میکرد اما الان که دیگر همه چیز آرام است امکان ندارد دیگر روزی خبر شهادت آن بالاها را به ما بدهند!

ما گمان نمیکردیم دیگر کسی پیدا بشود که بر صندلی بالاترین مقام های اداره کشور بنشیند و بتواند وظیفه خود را با عاقبت بخیری به پایان برساند... ما رجایی ها و باهنرها و بهشتی ها را فقط شنیدیم، ندیدیم... گمان نمیکردیم روزی در زمانی زیست کنیم که خبر شهادت رییس جمهور مملکت را حین خدمت در جنگل های نقطه صفر مرزی به ما بدهند!

ما آنقدر گمان نمیکردیم و فکر میکردیم همه شهادت ها و نورها مال چهل سال پیش بود که همیشه سعی میکردیم چای ریز مجالس باشیم، گرچه توانایی رهبری مجلس را داشته باشیم، آنقدر که همیشه ته مجلس بنشینیم حتی وقتی صف اول خالی است! آنقدر که همیشه از پذیرفتن مسئولیت های بزرگ ترسیدیم و شانه خالی کردیم و صندلی ها و میدان ها را از ترس غرور گرفتن خالی گذاشتیم و توهم برمان

آخرین دیدار...

امیرپارسامهران زاد

مدیرمسئول نشریه هفت تیر بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

بچه‌ها حرف‌هایشان را می‌زدند، از تمجید گرفته تا نقد و راهکار، با دقت گوش می‌کرد و نکاتی را یادداشت می‌کرد؛ پس از پایان صحبت‌های نمایندگان، شروع به پاسخ کرد تا دقایقی پس از اذان مغرب و رسیدن وقت نماز و افطار هم صحبت‌ها ادامه داشت، بعد هم نوبت به عکس یادبود و تحویل نامه به آقای رئیسی شد و من هم نامه‌ای به ایشان دادم.

درست ۴۵ روز پیش بود که به عنوان یکی از نمایندگان نشریات دانشجویی در دیدار رمضانی با رئیس جمهور شرکت کردم، نمی‌خواهم با جزئیات کلیشه‌ای حوصله خواننده را سربیرم که چه شد قبل از دعوت و اینها بنابراین به اصل مطلب می‌پردازم:

گوش شنوا و سعه صدر!

پس از چند گیت بازرسی مجموعه پاستور، وارد سالن شهید بهشتی نهاد ریاست جمهوری (کنار مسجد سلمان فارسی) شدیم.



نماز باطمأنینه!

بالاخره بچه‌ها رضایت دادند و برای نماز و افطار به مسجد سلمان نهاد ریاست جمهوری رفتیم. نماز اول را حاج آقای رستمی (رئیس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها) خواندند البته باطمأنینه و آرامش بسیار!

سرعت!

پس از اتمام نماز، به حاج آقای رئیسی تعارف کردند که نماز دوم را ایشان بخواند. بالحن خاصی گفتند خودتان بخوانید ولی این بار با سرعت بیشتر که به افطار هم برسیم. از این بی تکلف بودن بی اختیار خنده‌ام گرفت.

گده کنار سفره!

پس از نماز عشاء و حاضر شدن سفره افطار، روبه‌روی ایشان بر سر سفره نشستیم. پس از تعارف‌ها و آسودگی خاطر از رسیدن بسته‌های افطاری به بچه‌ها، شروع کردند. اینجا هم دوستان فرصت را مغتنم دیدند تا حرف‌هایشان را بزنند.

ضرر!

دوستی که با من به اندازه یک نفر فاصله داشت و روبه‌روی رئیس جمهور نشسته بود صحبت را این‌گونه آغاز کرد که: شرمنده از اینکه سر سفره افطار هم صحبت می‌کنم.

آقای رئیسی با همان صمیمیت و شوخی همیشگی گفت: من که افطار می‌کنم، شمایی که صحبت می‌کنی و افطار نمی‌خوری، ضرر می‌کنی...



به معنای واقعی کلمه؛ "مردمی"!

اینجا هم آقای رئیسی شنونده دغدغه‌های بچه‌هایی بود که کنار ایشان بودند، البته خیلی خودمانی‌تر، غیررسمی‌تر و بی‌واسطه‌تر و بی‌تعارف‌تر...

تواضع، اخلاق، دلسوزی، پاکدستی، ارادت به رهبری، ایمان، امید به آینده، تلاش و خسته نشدن، سعه صدر، سعه صدر و سعه صدر...

طلبِ حلالیت و درخواست شفاعت...

اگر نقدی به حق درباره او داشته‌ام پیشاپیش حلالش کرده‌ام و امیدوارم اگر حرفی به ناحق در این سال‌ها درباره او زده‌ام که حتما زده‌ام، من را ببخشد- که مطمئنم آنقدر مهربان هست که این کار را کند و شفاعت کند... اینجا هم آقای رئیسی شنونده دغدغه‌های بچه‌هایی بود که کنار ایشان بودند، البته خیلی خودمانی‌تر، غیررسمی تروبی واسطه تروبی تعارف‌تر...

هرکدام از مشکلاتی که را که گفته می‌شد از وضعیت دانشگاه فرهنگیان گرفته تا موضوع حجاب و عفاف، با دلسوزی بسیار گوش می‌کرد، پاسخ می‌داد و باز خورد می‌گرفت، برای ارتباطات و تکمیل اطلاعات، دانشجوی مطالبه‌گر را با دستیاران خود با در نظر گرفتن یک قرار ملاقات مرتبط می‌کرد.

برخورد شهید با من!

پس از آن هم که کار به صحبت‌های آخر بچه‌ها با ایشان رسید و در آنجا مطالبه انحلال بانک‌های ناتراز را مطرح کردم، که فردای همان روز از بخش خبری ۲۰:۳۰ پخش شد، شاید هیچوقت از گزارش‌های تلویزیونی نتوانید درک کنید، اما طوری با فروتنی و تواضع به من نگاه کرد و پاسخ داد که انگار یک کارمند به مافوقش گزارش می‌دهد نه یک رئیس جمهور به یک دانشجو...

از اول مجلس چیدند!

شاید هیچکس از کسانی که در کنار آن سفره بودند تصور نمی‌کرد ۴۵ روز بعد به جای رئیس جمهور، شهید جمهور داشته باشیم...

تنها ویژگی‌هایی که قبل از دیدار در ذهنم از او بود و بعد از آن دیدار بیش از پیش به جا ماند اینها بود:



ابراهیم چگونه آتش را گلستان کرد؟

مهدی علی میرزالی

جانشین سردبیر نشریه خط دانشجو جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه

من طعم فقرا چشیده‌ام...

شهید رئیسی فقرا نه در گزارش‌های رنگارنگ و مکتوب دستگاه‌های عریض و طویل حکومتی و نه در قاب تلویزیون رنگی، که با پوست و گوشت خود لمس کرده بود و فقرزدایی جزو اولین دغدغه‌هایش بود. وی روحانی زاده ساده در یک محله قدیمی مشهد بود. او با درد نداری و یتیمی بزرگ شده بود و در پنج سالگی دیگر سایه پدر بر سرش نبود. و همین بود که او را به سید محرومان و خادم مستضعفان بدل کرد. و چه خوش گفت پیر خمین ما که مردم باید به کسانی رای دهند که طعم فقرا چشیده باشند.

از جاسوسی و فرار با پوشش مبدل تا ایستادن در برابر ولایت فقیه، از آتش بیار صحنه فتنه بودن تا وادادگی محض در برابر غرب. اینها فقط بخشی از سیاهه کارنامه کوچک مردانی بود که ردای مقدس ریاست جمهوری اسلامی ایران بر تن‌شان گشادی می‌کرد. تو گویی شهوت قدرت پاستور بر شوق خدمت‌ش می‌چربید.

بعد از شهید رجایی و آیت‌الله خامنه‌ای صندلی ریاست جمهوری را به ماشین ساخت اپوزیسیون برای نظام میشناختیم. اما به یک‌باره مردی از دیار خراسان به میدان آمد؛ سید ابراهیم رئیس‌الساداتی. او کاری کرد که بعد از شهادتش، دوست و رقیب همه به تأمل و تأثر مشغولند و نمی‌توانند خدمات او را یکسره نادیده بیانگارند. به راستی شهید رئیسی چه کرد و چگونه بود که برخلاف اکثر رؤسای جمهور قبلی، اسیر شهوت قدرت نشد؟ ابراهیم چگونه آتش را گلستان کرد؟

رئیس ساکن نبود...

شهید جمهور، دولتی را تحویل گرفت که رئیسش نه در کف میدان، که از پشت اتاق شیشه‌ای برای ده‌ها میلیون ایرانی تصمیم می‌گرفت. اما سید محرومان اداره کشور را از پستوی پاستور به دل مردم آورد و هرگز امیر مرکز نشین نبود! هر کجا سیل و زلزله‌ای بود، خود را به محل حادثه می‌رساند و زانو به زانو می‌نشست. شب و روز و شرق و غرب نمی‌شناخت و امروز در ملا علی سیستان و بلوچستان بود و فردا در بدلان آذربایجان غربی! آنقدر می‌دوید که از رهبر انقلاب خواسته بودند تا به ایشان بگویند که کمی استراحت کند و به فکر خودش باشد! او به خوبی می‌دانست که باید اقوال و احوال مردم را بشنود و ببیند تا رسم مردم‌داری را از بر کند.

خالص و صادق، همچون استاد...

این بزرگ‌مرد نمونه بارز یک مدیر علوی بود و چنان به بلوغ سیاسی رسیده و چنان اسلام ناب خمینی را درک کرده بود که خستگی‌ها را خسته می‌کرد. او برای خدا کار می‌کرد، نه برای خوشی دل این حزب و آن رجل سیاسی! در مسیر پریچ‌وخم حیات سیاسی خود، بسیار طعن‌ها و توهین‌ها را شنید و دید، اما نه ذره‌ای سست شد و نه هرگز زبان به پاسخ مقابل گشود.

او حتی برای رقبایش نیز طلب مغفرت می‌کرد! و به راستی که شاگرد صدیق استادش، شهید بهشتی بود.

رئیس بی‌هوده به چنین جایگاهی نرسیده و ارزان جا پای بزرگانی چون رجایی، بهشتی و سلیمانی نگذاشته است. او پاداش یک عمر مجاهدت خالصانه خود را با پوشیدن خلعت شهادت دریافت کرد. برای آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی حیف بود که بی‌هوده تمام شود و پایانی مگر شهادت مظلومانه او را سزاوار نبود.

و اینک باری سنگین بر دوش ما مدعیان پیروی از مسلک خمینی است که باید از خون پاک شهدای خدمت‌صیانت کنیم و اولین ایستگاه آن، انتخاب درست در هشت تیرماه است.

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ
فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا
بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

احزاب/ ۲۳





اینگونه ابراهیم را پاداش می دهد

محمدفاطمی

عضو هیئت تحریریه نشریات بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف

آه از بغضی که دارد مثنوی شب اگر بی روح اگر تاریک بود صبح دیدار خدا نزدیک بود

بالاخره دعای زنده دلان مستجاب شد. بازمانه رئیس جمهوری از جنس رجایی دید. در ریاست جمهور هم درس تفسیر مردم داری داد. خواست که بگوید "لیقوم الناس بالقسط" نه فقط شعار اسلام، که سرلوحه زندگی سیاسی است. باید با مردم قیام کرد آقا جان، تنها جلو رفتن که فایده‌ای ندارد. دوست به مدح، دولتش را مردمی می خواند و دشمن به طعنه. اما شهره شد به مردمی بودن، به صفای مردم داری. سادگی و هم صحبت روستاییان شدن را عیب و عار نمی دید.



از میان مردانی که برای مسئولیت قد علم می کنند، کسانی هستند که هنوز چشم به مکتب و آرمان هایش دارند. نه به عنوان یک امر انتزاعی بلکه حقیقتی که می توان و باید به آن رسید. از میان آنان، افرادی تلاش خود را به نهایت می رسانند، اما موفقیت و شهرت به آرمان گرایی ویژگی هر کس نیست. مردی از میان ما رفت که حضورش در مقام و مسئولیت، یک خبر عادی نبود. مگر تفسیر شرف امکان بالمکین جز این است؟ می رفت که به اصلاح برخیزد. به سمت حرف هایی حرکت می کرد که در این روزگار کمتر به تحققشان امید داشتیم. ظلم را تشویش ناکامی بود و حقیقتا یاور مظلومان. نه طعنه سرزنشگران او را از مسیرش باز می داشت و نه مصلحت های دست ساخته ای که گاه ما برای خودمان ایجاد می کنیم، مانع عدالت و ورزیش می شد. گاهی مخالفینش هم وقتی بزرگ منشی او را می دیدند، تسلیم رفتارش می شدند. همان که فراتر از تمایلات و هوس های بعضی انسان های دیگر بود. همان که...

قسمت نبود که ما قبل از ملائکه پیدایش کنیم، برای پیکر سوخته‌اش همان آغوش ملائک بهتر است. بعد او تا ابد بغضی در گلو داریم، از قضاوت‌های زودمان، از اینکه نفهمیدیم عمری زیر باران به انتظار نشسته بود. نه به انتظار ما به انتظار یاران رفته‌اش. آری انقلاب الهی راهش را می‌رود، هر چه اهل انقلاب کشته شوند عالم بیدارتر می‌شود. ولی زخم‌هایمان چه؟ اندوهمان، دلتنگی‌هایمان چه؟ بغض‌هایمان...

سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ
كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ
اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ

پای دردهایشان می‌نشست. مسخره می‌کردند ولی پدروار نگران نیازهای ولو ساده‌شان بود. اصلاً بگذار مسخره کنند، مگر بر علی علیه‌السلام کم عیب گرفتند؟ از علی بالاتر داریم؟ وقتی علی این‌گونه شد، او که مقتدایش علی است جز این طعنه و تمسخرها هم نباید نصیبش می‌شد. بگذار هر چه می‌خواهند بگویند، نام او از قبل شد مشهورتر. آئین ما در قلب این مرزو بوم ریشه زده، قلب مردم با او بود. حتی آنکه دلگیری و مخالفت داشت، نمی‌توانست برای بعضی کارهایش دوستش نداشته باشد. افسوس که زود اجراشک‌هایش بر پیکر سردار شهید را گرفت.

بعد او ما هم در آتش زنده‌ایم همچنان با خاطر آتش زنده‌ایم

قسمت نبود که آن پرنده به مقصد برسد، آن دست‌هایی هم که برای وداع بلند شد گویای بی‌قراری بود، کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید. باز امشب جمع یاران جمع شد، چه میزبانی‌ای کند حضرت رضا در ولادتش از خادم شهیدش.



شهادت هنرمردان خداست

سیدمصطفی مرادی

مدیرمسئول نشریه دریچه جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه زابل

خدا حافظ جمعه های بی خواب، خدا حافظ عبا و
قبای خاکی حاصل از سیل، خدا حافظ مایه عزت و
غرور ایران

در بامداد ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، در حالیکه یک
ملت چشم به رسانه ها داشتند و راز و نیاز ملت
مسلمان ایران اسلامی، گوش فلک را کر کرده
بود، خبر بسیار ناخوشایندی طنین انداز شد؛
شهادت مرد خدمت، سید محرومان و یاران
عزیزش قلب یک ملت را به درد آورد. چه خوب
گفته اند که:

**گلچین روزگار عجب خوش سلیقه است
می چیند آن گلی که به عالم نمونه است**

دوباره نهاد ریاست جمهوری غرق در ظلمات
شد. آیت الله شهید سید ابراهیم رئیسی، رجایی
گونه این دنیا را پشت سر گذاشت و با دامنی پر
به پیشگاه خداوند متعال رهسپار شد. یک مرد
بزرگ، مردی که به گفته رهبر عظیم الشأن ایران،
امروز را قربانی فردا نمی کرد و کارها را به فردا
نمی انداخت.

شهید خدمت مردی بود از جنس مردم؛ با اینکه
دولتی را تحویل گرفت که آه در بساط نداشت،
اما با همان (آه در بساط نداشت) توانست تفکر
امامین انقلاب را به نحو احسن به منزله ظهور
رساند. مردی بود که توانست سد های گذشته را
بشکند و عزت ملی را به کشور عزیزمان بازگرداند.



شهادت سید اهل تبریز، آن بزرگ مرد عرصه سیاست و عقیده را تسلیت عرض می‌نمایم. فردی که پس از شهیدان محراب، سکاندار نمایندگی ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی را عهده دار شد و به فرموده مقام معظم رهبری جایگاهی بس رفیع، حساس و مهم داشتند. در تلخی بیشتر این حادثه ناگوار همین بس است که فقدان دو تن از یاران انقلاب در مجلس خبرگان رهبری بسیار حس می‌شود.

در نهایت از خداوند منان خواستارم تا صبری عظیم به ملت سختکوش ایران عنایت فرماید و سرزمین امام زمان (عج) را رستگار و موفق در تمامی عرصه‌ها گرداند.

**به روزمرگ چو تابوت من روان باشد
گمان مبر که مراد در این جهان باشد**

**برای من مگری و مگو: «دریغ دریغ»
به یوغ دیو درافتی دریغ آن باشد**

**جنازه‌ام چو ببینی مگو: «فراق فراق»
مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد**

چقدر بد که گلچین روزگار مردان خدا را اینگونه می‌چیند. تاریخ نشان داده که درخت تنومند اسلام و انقلاب با خون بهشتی‌ها، رجایی‌ها و هزاران خادم گمنام بالنده شده است. تقدیر خداوند رحمان چقدر شیرین است که پس از سال‌ها مجاهدت و مردم‌داری، در شب میلاد امام هشتم، شربت شیرین شهادت را سربکشی و اینگونه پیروزمندان این جهان را ترک‌گویی.

شهادت بزرگ مرد عرصه دیپلماسی، شهید حسین امیرعبداللهیان، مردی که توانست دیپلماسی عزت را به جهانیان نشان دهد را به عموم مردم تسلیت می‌گوییم. شخصی بود که تا آخرین لحظات از هدف خویش که آزادی قدس شریف بود، ذره‌ای دریغ نکرد و چه فداکاری‌هایی جهت بیداری ملت‌ها در عرصه بین‌المللی انجام داد. چه روزهایی که به خاطر حمایت بیشتر از مردم مظلوم فلسطین از این کشور به آن کشور جهت رایزنی میرفتی را یادمان نمی‌رود ای دیپلمات شهید.



ویژه نامه شهید جمهور

خرداد ماه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز:

شبکه نشریات دانشجویان ایران

اعضای هیات تحریریه:

یونس فرزین فرد، محمدرضا سلطانی،

علیرضا عسگری، زهرا صابری، زینب کرد،

ریحانه زین الدینی، شکوفه جم،

ملیکا پرتابیان، محمدشاهد چرخکار،

هانیه سپه وند، امیرپارسا مهران زاد،

مهدی علی میرزالی، محمد فاطمی،

سید مصطفی مرادی،

صفحه آرا و گرافیک:

محمد بوجاری

ارتباط با ادمن @Studentmag_admin

stumag_ir